



## درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۶

موضوع کلی: قاعده الزام

مصادف با: ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۳۵

موضوع جزئی: مستند قاعده الزام: دلیل پنجم: سیره عقلاء

جلسه: ۲۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### دلیل پنجم: سیره عقلاء

دلیل پنجم بر قاعده الزام سیره عقلاء است، سیره عقلاء برای اینکه بتواند به عنوان دلیل مورد استناد قرار گیرد باید دو مسئله در آن ثابت شود.

یکی صغرای دلیل است که اصل آن سیره باید ثابت شود و یکی هم امضاء سیره عقلائییه توسط شارع می باشد، یا حداقل اگر هم امضاء نمی شود ردع و منعی از آن صورت نگرفته باشد، این دو مطلب در هر سیره عقلائییه ای که می خواهد مستند یک امری واقع شود باید احراز شود.

سیره متشرعه هم به عنوان یک دلیل می تواند مورد توجه قرار گیرد به شرط اینکه احراز شود آن سیره به زمان معصوم اتصال داشته و دارد، البته این در سیره عقلائییه هم وجود دارد، همین که میگوئیم امضاء شارع یا عدم ردع شارع به عنوان تأیید سیره عقلاء باید باشد، قهراً باید این سیره از سیر مستحدثه نباشد، از سیری باشد که تا زمان معصوم جریان داشته و در مرئی و منظر معصوم واقع شده، امکان ردع هم بوده اما ردع نشده. به هر حال اینجا سیره عقلائییه به عنوان یک دلیل بر قاعده الزام ذکر شده.

### صغرای مسئله:

صغرای مسئله معلوم است، سیره عقلاء بر این است که با کسانی که به دین و آئین دیگری اعتقاد دارند بر اساس همان معتقدات آنها رفتار می کنند، یعنی آنها مختارند که بر طبق معتقدات خودشان عمل کنند، ما در مورد پیروان ادیان مختلف می بینیم که این امکان برای ادیان پیروان مختلف فراهم است که بر طبق معتقدات خودشان عبادت کنند، در مورد معاملاتشان، در مورد آداب و رسومشان این امکان در همه ملل و اقوام فراهم است که به پیروان ادیان و عقاید مختلف اجازه می دهند که بر اساس معتقدات خودشان عمل کنند و به آنچه آنها به آن اعتقاد دارند احترام بگذارند و این مسلم است.

حالا سؤال این است که آیا این مقدار برای اثبات مدعا کفایت می کند یا نه؟ ما برای اثبات قاعده الزام به سیره عقلائییه به یک مسئله بالاتر از این نیاز داریم، تا اینجا فقط امضاء و انفاذ اعمال و رفتار و قوانین آنها ثابت می شود اما این یک بخشی از قاعده الزام است، باید ببینیم آیا سیره عقلاء بر این است که در تعامل خودشان با پیروان ادیان دیگر به آنچه که آنها به آن عمل می کنند اخذ می کنند؟ یعنی آیا آنها را ملزم می کنند به معتقدات خودشان و بر آن اثر مترتب می کنند؟ اگر بخواهیم به این استدلال کمک کنیم باید بگوئیم که سیره عقلاء بر این هم استوار است که نه تنها آنها از حیث عقاید، عبادات، معاملات،

اخلاق، آداب و رسومشان محترمند بلکه به طور خاص در روابط با آنها، آنها را ملزم می کنند به قوانین شان و اثر بر کارهایی که آنها می کنند مترتب می کنند، این از حیث صغری.

### **کبرای مسئله:**

اما از نظر کبروی، به این معنا است که حجیت سیره عقلائییه و اعتبارش منوط به این است که اتصال به زمان معصوم داشته باشد و مورد منع و ردع شارع واقع نشده باشد، در این رابطه هم گفته می شود اتصال این سیره معلوم است که این سیره در همه ادوار و اعصار وجود داشته و حکومتها این امکان را برای پیروان اقلیتها فراهم می کردند غیر از موارد خاص، حداقل تا زمان معصومین اتصال آن واضح و روشن است، از نظر تأیید شارع هم می توانیم همه روایاتی که در بحث های گذشته ذکر کردیم اینها را به عنوان تأیید شارع قلمداد کنیم، یا حداقل بگوئیم منع و ردعی از شارع در بین ادله وجود ندارد.

پس سیره عقلائییه هم از نظر صغروی و هم از نظر کبروی مشکلی ندارد، این سیره اتصال به زمان معصوم دارد و مورد تأیید شارع قرار گرفته و منحصر در خصوص امضاء نسبت به آنچه که آنها عمل می کنند نیست بلکه دایره و دامنه اش وسیعتر است بلکه بر آنچه که پیروان عقائد مختلف بر آن اثر مترتب می کنند، هم از ناحیه عقلاء نسبت به آن اثر مترتب می کنند. پس سیره عقلاء از این جهت می تواند مستند قاعده الزام باشد.

### **بررسی سیره عقلاء:**

در اینکه سیره عقلاء بر احترام و رعایت احترام ادیان و فرق مختلف است بحثی نیست، البته وقتی که سیره عقلاء گفته می شود این به این معنا نیست که در همه جا به این عمل می کنند، سیره عقلاء یعنی بنای عملی عقلاء عالم، بما هم عقلاء، ادعا این نیست که اصلاً از آن تخلف نمی شود، ولی عقلاء، بما هم عقلاء بنائشان بر این است، یعنی به عقائد و معتقدات و مقدسات هم دیگر احترام می گذارند.

پس اصل سیره عقلائییه بر به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به آداب و رسوم و فرهنگ و عقاید یکدیگر است و بر آن اثر مترتب می کنند یعنی آنچه که آنها انجام می دهند امضاء می کنند، یعنی اگر آنها مثلاً طبق قانون خودشان زن بگیرند مشکلی ندارد و امضاء می شود و یا ارث می گذارند و کذلک.

البته در اینجا نکته ای که مسئله را متفاوت کرده این است که الآن آنچه که مسلط بر مردم است، قوانین کشورها است، یعنی یک قانون واحد وجود دارد و این قانون واحد بر اساس هر مذهب و عقیده ای نوشته شده باشد قانون واحد کشور است و همه باید به آن قانون عمل کنند مگر در مواردی که خود آنها اجازه دهند مثلاً عده ای طبق عقائد خودشان عمل کنند، اینجا قانونی که قانون مسلط می شود، یک قانون واحد است، در مواردی قانون ورود پیدا کرده و تکلیف را معلوم کرده اما در مواردی ممکن است قانون ورود پیدا نکرده باشد (البته در ادوار گذشته چیزی مثل قوانین مدون امروزی نبوده) آیا واقعاً بین عقلاء چنین چیزی نبود که وقتی خودشان مثلاً به چیزی پایبند بودند بر آن اثر مترتب کنند؟ این شاید نتواند احراز شود، یعنی نمی توان از امضاء به غیر آن توسعه اش داد، امضاء آنچه که بین خود آنها وجود دارد از سیره عقلائییه بدست می آید اما اینکه خود عقلاء بر خلاف عقیده خودشان بر چیزی که بین آنها جریان دارد اثر مترتب کنند از سیره عقلاء استفاده نمی شود.

البته اتصال این سیره تا زمان معصوم قطعاً ثابت است و شکی در آن نیست و تأیید معصوم نسبت به این سیره هم کاملاً اثبات شده است.

#### **نتیجه:**

از سیره عقلائیه می توانیم امضاء و انفاذ قانون، حکم و معتقدات آنها را در امور مختلف به این معنا که خودشان در بین خودشان می توانند بر طبق عقائد خودشان عمل کنند، استفاده کنیم.

اما اینکه از این سیره عقلائیه بتوان استفاده کرد که عقلاء بنائشان بر این است که یکدیگر را ملزم کنند به آنچه که به آن معتقدند معلوم نیست. اصلاً این قانون مبتنی بر سیره عقلائیه است؟ این مسلم است و در این بخش امام خمینی (ره) در رابطه با قاعده الزام بیشتر بر روی این جهت تأکید دارند که این یک سیره عقلائیه است و عقلاء بنائشان بر این است که بر یکدیگر اخذ کنند و یقه یکدیگر را بگیرند به آنچه که آنها به آن معتقدند.

#### **بحث جلسه آینده:**

پس قدر مسلم از سیره عقلائیه امضاء و انفاذ است و در این تردیدی نیست ولی اینکه آیا بیشتر از آن قابل استفاده است یا نه؟ این بحث را انشاءالله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»